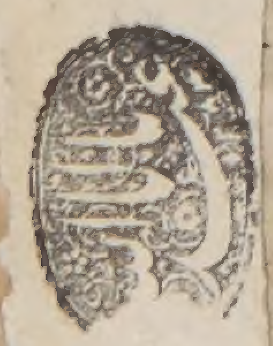
۲

نصائح الشیعة (فارسی)
تألیف محمد بن عبدالغفور



ویژه خطی

رسالة فی نصائح الشیعة

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بیقیاس و ستایش رفیع الاساس مخصوص یگانهٔ است
جل شانه که ابداع ممکنات و اختراع مکونات محض ظهور
فیض و رحمت اوست قدرتش بر جمیع ممکنات علی السواء
و تصرفش در مجردات … مادیات هویدا و پیدا و ثنا و دیل
انواد و اطباق ازهار … نثار کثیرا الانوار کروبی الانوار
جلی خیل عقول و مصلی … معقول و منقول عارف معارف
ربانی کماهی و واقف اسرار مکنون … جناب مستطاب رسالت
پناهی و بر آل امجادش که مشعل داران شبستان … و ائمه
شمع عین الیقین و راهنمایان صراط مبین و معلمان
کتاب مستبین اند صلوات الله علیهم و سلم تسلیما

اما بعد چنین گوید ذرهٔ بی بها و سرور محمد امین
عبد الغفور بعفو الله بعیوب نفسه و جعل یومه
خیراً من امسه که عادت این غریق بحر عصیان چنین
جاری شده بود که بعد از نماز فریضه چند کلمه از احادیث
قدسیه و اخبار نبویه و علویه و مواعظ و نصایح ائمه
بزبان عربی از برای عادیم دوستان عرض مینمود پس
یکی از سادات اخیار و نجباء و الا تبار اعنی صاحب المحامد
والمکارم جناب مولانا آقا سید حسین سلمه الله تعالی خواهش
نمود که آن احادیث را بزبان ترجمه شود پس اجابت
آن جناب لازم دانسته و آن اوراق شکسته را اختصار خود
و اینشان نموده مبادرت بآن نمود و آن را بنصایح الشیعه موسوم
ساخت بعون الله و حسن توفیقه و آن مرتب است بمقدمه
و فصول و خاتمه اما المقدمه پس در آن دوازده حدیث است

حدیث اول فرمود جناب رسول خدا که شش چیز غریب است
در شش موضع مسجد غریب است در میان قومی که
در آن نماز نکنند و قرآن غریب است در خانه که از آن
نخوانند و دیگر غریب است در سینهٔ ظالم و دیگر غریب است
زن مسلمه که در دست مرد فاسق ظالم بدخلقی باشد
و دیگر غریب است مرد مسلم صالحی که در دست زن
بدفطرهٔ بدخلقی باشد و دیگر غریب است عالمی که در
میان قومی باشد که سخن او را نشنوند پس بدرستیکه
خداوند عالمیان در روز قیامت نظر نمیکند بسوی
اینجماعت حدیث دوم فرمود رسول خدا که ای گروه
مسلمانان بپرهیزید از زنا پس بدرستیکه در او شش
خصلت است سه در دنیا و سه در آخرت اما آن سه تائی
که در دنیا است پس بدرستیکه زنا میبرد نور روی آدمی را
و باعث فقر و پریشانی میشود و دیگر عمر را کم میکند و اما
آن

آن سه تائی چیزی که در آخرت است زنا باعث غضب و سخط
پروردگار است و دیگر موجب دشواری و بدی حساب است
و دیگر باعث خلود و همیشگی بودن در آتش جهنم است پس
حضرت بعد از ذکر این حدیث این آیه را تلاوت فرمود که
سَوَّلَتْ لَهُمْ اَنْفُسُهُمْ اَنْ سَخِطَ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ وَفِی الْعَذَابِ
هُمْ فِیهَا خَالِدُونَ ظاهر ترجمه‌اش این است که جناب اقدس
الهی میفرماید که این جماعت زناکاران کول زده است ایشانرا
نفسهای ایشان بدرستیکه سخط و غضب خدا بر ایشان است
و همیشه ایشان در جهنم مخلد خواهند بود حدیث سیم
حضرت رسول فرمود که بر شما باد بصدقه دادن
بدرستیکه در آن شش خصلت است سه در دنیا
و سه در آخرت اما آن سه خصلت که در دنیا است

که عمر را زیاد میکند و رزق را وسیع میکند و شهرها را
آباد میگرداند و اما آن سه خصلت که در آخرت است
یکی این است که در روزیکه همه کس مکشوف العوره باشد
او عورتش و قبایح اعمالش پوشیده باشد و دیگر
در زیر سایه رحمت الهی باشد و دیگر ما بین او
و آتش جهنم حایلی فاصله شود حدیث ۴ فرمود جناب
رسول خدا ص که سؤال کردم از جبرئیل در خصوص صدقه
جبرئیل گفت یا محمد ص صدقه بر پنج قسم است یکی بده و
یکی بهفتاد و یکی بهفتصد و یکی بهفتاد هزار و یکی
بصد هزار پس گفتم ای جبرئیل مرا خبر ده مرا از یکی بده
گفت این است که بدهی بمردی که دستها و پاها و چشمهایش
که صحیح باشد و یکی بهفتاد آنست که بدهی بمردی که از
کار

کار افتاده باشد و یکی بهفتصد آنست که بفرستی آن صدقه را
بسوی والدین خود و یکی بهفتاد هزار آنست که صرف ثواب
کنی و یکی بصد هزار آنست که بسوی طالب علمی بفرستی حدیث ۵
خویش
فرمود جناب رسول خدا ص که بدرستیکه خدای عزّ و جلّ نا
داشت از برای من شش خصلت را و من نیز ناخوش دارم
از برای اوصیاء از فرزندانم و تابعان ایشان یکی بازی
کردن در نماز و جماع کردن در روزه و منت گذاردن بعد از
صدقه و رفتن جنب در مسجدها و اطلاع بهم رسانیدن در
خانها و خنده کردن در قبرستانها حدیث ۶ آمد مردی
بخدمت رسول خدا ص و عرض کرد یا رسول الله ص تعلیم کن
عملی را که هرگاه بجا آورم دوست بدارد مرا خدا و مردمان
و بسیار شود مالم و صحیح بماند بدنم و طولانی شود عمرم

ومحشور شوم با تو حضرت فرمود این شش خصلت است ا
هرگاه اراده داری که خدا ترا دوست دارد پس از خدا
بترس و تقوی را پیشه خود کن و هرگاه اراده داری که
مردم ترا دوست دارند پس قطع کن طمعت را از آنچه در دست
مردم است و هرگاه اراده داری که حالت زیاد و بسیار شود
پس بسیار کن صدقه را و هرگاه اراده داری که همیشه بدنت
صحیح باشد کم خوراکی پیشه خود کن و هرگاه اراده داری
که عمرت طولانی شود با خویشانت صله و نیکوئی کن و
هرگاه اراده داری که خدا ترا محشور گرداند با من پس بسیار
گردان سجده را در پیش روی خداوند قهار حدیث ۷
فرمود رسول خدا ص دوست میدارم اطفال را بجهت پنج
خصلت اول آنکه ایشان بسیار گریانند دوم آنکه
ایشان خاکسارند و خود را بخاک میمالند سیم آنکه
ایشان

ایشان مخاصمه و دعوی میکنند بغیر کینه چهارم ذخیره نمیکنند
چیزی را از برای فردا پنجم تعمیر میکنند پس خراب میکنند و
فرمود رسول خدا ص که خلال آند دنیا پنج چیز است قرض و
هر چند یک درهم باشد و جدائی و دوری هر چند یا
کربه باشد و سؤال کردن هر چند بقدر حرف لی باشد
و سفر کردن هر چند بقدر میلی باشد حدیث ۸
فرمود جناب رسول خدا ص که کسیکه بخندد در پنج موضع
پس گویا که زنا کرده است پنج زنا اول در
قبرستانها دوم عقب جنازه مسلمانان سوم
در مجلس علما چهارم در وقت تلاوت قرآن پنجم
در مسجدها حدیث نهم فرمود جناب رسول خدا ص
حق مسلم بر مسلم پنج چیز است جواب سلام گفتن
و دیدن بیمار رفتن و تشییع جنازه نمودن و خواهش

برادران دینی را بعمل آوردن و در وقت عطسه ایشان
دعا کردن حدیث ۹ فرمود امام محمد باقر ع که سوال
کرده شد از رسول خدا ص از بهترین بندگان فرمود
آنچنان کسانیکه هرگاه عمل نیک بجا آورند خوش
حال میشوند و هرگاه عمل بدی از ایشان سر زند
استغفار میکنند و هرگاه عطا کرده شوند شکر
میکنند و هرگاه مبتلا شوند ببلائی صبر میکنند و
هرگاه غضب کنند عفو میکنند حدیث ۱۱ فرمود پدر
امام حسن عسکری ع که مؤمن خالی نمیباشد از پنج چیز
مسواک و شانه و سجاده و تسبیحی که در او سی و چهار
دانه باشد و انگشتر عقیق حدیث ۱۲ مرویست
از امام حسن عسکری ع که علامت مؤمن پنج است نماز
پنجاه و یک رکعت گذاردن و زیارت اربعین کردن
و انگشتر در دست راست کردن و بخاک مالیدن

پیشا

فصل اول

پیشانی و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم
از احادیث قدسی فرمود جناب اقدس الهی که ای
بندگان شش چیز از من است و شش چیز از شما
آمرزیدن از من است و توبه کردن از شما و بهشت
از من است و طاعت کردن از شما و رزق از من است
و شکر کردن از شما و قضا و قدر از من است و رضا
و تسلیم از شما و بلا از من است و صبر کردن از شما
و اجابت از من است و دعا کردن از شما ای فرزند آدم
خوف فقر از بدی گمان بردن بخداست و از کمی یقین
بخل میکنی بر مساکین و کسیکه اهتمام داشته باشد از برای
رزق پس بتحقیق که شک کرده است در کتاب من و تصدیق
نکرده است پیغمبران مرا و تکذیب کرده است پیغمبران مرا
و کسیکه تکذیب کند پیغمبران را پس بتحقیق که انکار
کرده است پروردگاری مرا و کسیکه انکار کند پروردگاری مرا

پس کسیکه انکار کرد میاندازم او را در آتش برد و ای فرزند
آدم خزینهای من تمام نمیشود هرگز و دست من گشاده است
بعطاها و بخششها همیشه و بهر قدر که تو انفاق میکنی
منهم انفاق میکنم و بهر قدر که نگاه میداری منهم نگاه
میدارم ای فرزند آدم تکلم نمیکنی بجلهٔ و نظر نمیکنی بر
نظر کردنی و کام بر نمیداری مگر بکام بر داشتی مگر اینکه
با تو است دو ملک که مینویسند مجموع عمل خیر و شر ترا ای
فرزند آدم خلق نکردم شما را برای اینکه جمع کنید مال
دنیا بعضا بر روی بعض بلکه خلق کردم شما را که عبادت
کنید مرا همیشه و شکر کنید مرا بسیار و تسبیح گوئید مرا صبح
و شام پس بدرستیکه رزق قسمت شده است و حریص
محروم است و بخیل مذموم است و حسود مغموم است
و نعمت دایم است و خالق و رازق است همیشه زنده
و قایم است خدمت کن مرا پس بدرستیکه من خدمت

کردا

میکنم کسی را که خدمت من کند مرا پس بدرستیکه توئی بنده ذلیل
عاجز و ضعیف و منم پروردگار جلیل قادر قوی ای فرزند آدم
مستقیم نمیشود دین تو تا اینکه مستقیم شود قلب تو و مستقیم
نمیشود قلب تو تا اینکه مستقیم شود زبان تو و مستقیم نمیشود
زبان تو تا اینکه حیا کنی از پروردگار خود و هرگاه نظر
کنی بعیبهای مردم و فراموش کنی عیبهای خود را پس بتحقیق
که راضی کرده اینده شیطان را و بغضب آورده رحمن را ای فرزند
آدم هرگاه بوده باشد گفتار تو نیکو و باطن تو قبیح پس توئی
هلاک شونده و تو پی هلاک شوندگان ای فرزند آدم هر
روز کم میشود از عمر تو چیزی و تو نمیدانی و هر روز میاید
ترا رزق تو و حال اینکه تو حمد نمیکنی خدا را پس نیستی قانع
بکم و نه سیر میشوی به بسیار ای فرزند آدم فانی کردی عمر
خود را در طلب کردن دنیا پس چه زمان طلب میکنی بهشت را
ای فرزند آدم هرگاه نه بینی حق همسایه خود را هم چنانکه
نه بینی حق عیالت را منهم نظر نمیکنم بسوی تو و قبول نمیکنم

عمل تو را و مستجاب نمیکنم دعای ترا ای پسر آدم بخاطر آور روز
قیامت را در پیش رو و من ذلت موقفت را بس بدبختیکه
من نیستم غافل از چیزهای پنهان تو بلکه چشم بر هم زدن
بد بدبختیکه من عالمم بانچه در سینهاست ایفرزند آدم
طلب کن آخرت را و واگذار دنیا را بس بدبختیکه یکشب از
آخرت بهتر است از دنیا و انچه در دنیا است

فصل دوم

در اینکه چیزهائی است که وارد شده است از پیغمبر
فرمود که شفاعت میکنم چهار نفر را در روز قیامت
هرچند ایشان بقدر گناه اهل زمین بوده باشد
یکی کسیکه یاری کننده اهل بیت من باشد و دیگر
کسیکه در وقت اضطرار حاجت ایشانرا بر آورد
و دیگر کسیکه در امور ایشان سعی کند و دیگر کسیکه
دوست بدارد ایشانرا بدل و زبان و فرمود رسول خدا
که چهار طایفه اند که بیرون میایند از قبرها و داخل
آتش میشوند بی حساب یکی جماعتیکه در وقت صبح

در خوابند

در خوابند و دیگر کسانیکه غافلند در وقت غروب و عشاء
و دیگر کسانیکه منع کننده اند زکوة و خمس را و دیگر کسانیکه
اصرار داشته باشند در گناهان و در حدیث دیگر
فرمود که چهار چیز است که کمش بسیار است یکی فقر و دیگر
درد و دیگر عداوت و دیگر آتش و در حدیث دیگر فرمود
که بر پا بودن دین بچهار کس است یکی عالمی که عمل کند
بعلم خود و دیگر جاهلی که سر باز نزند از آموختن و دیگر
بخشش کننده که منت نگذارد بعد از بخشش و دیگر فقیری
که نفروشد آخرتش را بدنیا و فرمود رسول خدا کسیکه
خاری برساند پنج نفر را نقصان میاید در پنج چیز کسیکه
استخفاف کند بعلما نقصان یافته است در دین و کسیکه استخفاف
کند بامرا نقصان یافته است در دنیا و کسیکه استخفاف کند بهمسایگان
نقصان یافته است در منافع و کسیکه استخفاف کند بخویشان
نقصان یافته است در مروت و کسیکه استخفاف کند باهلش

نقصان یافته است در پاکیزگی عیشش و فرمود جناب پیغمبر
که غنیمت بشمارید پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را غنیمت
بدان پیش از پیری و توانگری را غنیمت بدان پیش از فقری
و فارغ بودن را غنیمت بدان پیش از مشغول شدن و صحت را
غنیمت بدان پیش از بیمار شدن و زندگانی را غنیمت بدان
پیش از مردن و فرمود حضرت رسول ص که شش کس داخل
آتش میشوند جهت شش چیز پادشاه جهت جورش و
عرب جهت عصبیتش و راه دار جهت کبرش و تاجر جهت
خیانتش و دهاتی جهت جهالتش و علما جهت حسدشان
و فرمود رسول خدا ص که حق مسلمان بر مسلمان شش است
هر گاه ملاقات کنی او را پس سلام کن بر او و هر گاه میخواند
تو را اجابت کن او را و هر گاه طلب نصیحت کند از تو نصیحت
کن او را و هر گاه عطسه کند حمد گوید پس دعا کن او را و هر گاه
بیمار شود دیدن کن او را و هر گاه بمیرد تشییع کن جنازه
او را و ایضا فرمود که هر کس صبح کند در حالتی که راضی باشد

از او پدرش

9

و پدر و مادرش از او غضبناک باشند گشاده میشود
از برای او دو در بسوی آتش و کسیکه شام کند و پدر
و مادرش از او غضبناک باشد گشاده میشود از برای
او دو در بسوی آتش و هر گاه پدر تنها و مادر تنها
از او غضبناک باشد گشاده میشود از برای او یک
در بسوی آتش و فرمود رسول خدا ص که کسیکه دوست
بدارد اینکه بداند که چگونه است منزلش نزد خدا
پس نظر کند که چگونه است منزل خدا نزد او پس هر گاه
چیز شود از برای او دو امر امر دنیا و امر آخرت پس اختیار
کند پس اختیار کند امر آخرت را بر دنیا پس کسی است که
دوست میدارد او را خدا و کسیکه اختیار کند امر دنیا را
بر امر آخرت پس این چنان کسی است که نیست منزلی
از برای خدا نزد او و فرمود جناب رسول خدا ص نیست
عالم یا متعلم که بگذرد بقریه از قریها یا شهری از
شهرهای مسلمانان هر چند نخورد طعام ایشان و نیاشامد

و داخل میشود از سمتی و بیرون میرود از سمتی دیگر
مگر اینکه برمیدارد خدا عذاب آن از قبرهای ایشان را
چهل روز و فرمود که علماء این امت دو قسم اند مردی
که عطا میکند خدا او را علمی پس میدهد آن را بمردم بلا دون
طمع و میفروشد آن را بپول پس این کسی است که طلب مغفرت
میکنند از برای او ماهیان دریا و جانوران صحرا و مرغان
هوا و وارد میشود بر خدا در حالتی که سید و شریف است
تا اینکه رفیق میشود پیغمبران مرسل را و مردی که عطا میکند
او را خدا علمی پس بخل میکند با این علم از بندگان خدا
بجهت طمع و میفروشد آن را به پول و این مرد لجام و دهنه
کرده میشود در روز قیامت بدهنه آتشین و ندا می کنند
ندا کننده که این کسی است که عطا کرد خدا او را علمی را پس
بخل کرد از بندگان خدا و گرفت برای علم طمع را و فروخت
آن علم را بپول و پیوسته چنین است تا فارغ شود از حساب
و ایضا فرمود علم دو علم است علمی است در قلب پس این است
علم نافع و علمی است بر زبان پس این حجت خدا است بر فرزندان

ادم

ادم و نبی فرمود که آگاه باشید بدرستیکه بدترین
بدها بدان علما است و بهترین خوبها خوبان
علما است و فرمود امیر المؤمنین که علما بر دو قسم اند عالمی است
که عمل میکند بعلمش پس او نجات یابنده است و عالمی که نیست
عمل کننده بعلمش پس او هلاک شونده است و بدرستیکه
اهل آتش متاذی میشوند از بوی عالمی که تارک علمش باشد
و عمل بآن نکند بدرستیکه اشد اهل آتش از جهت
ندامت و حسرت کسی است که بخواند بنده را بسوی طاعت خدا
پس واطاعت کند خدا را پس داخل بهشت کرده اند او را
خدا و داخل کرده اند آن خواننده را در جهنم بجهت عمل نکردن
بآن علم و متابعت کردن خواهش هوا و هوس و دراز بودن
آرزو و باز ایستاد از حق و فراموش کرد آخرت را و فرمود
رسول خدا اگر کسیکه یاد بگیرد دو حدیث را و منتفع شود

بآن دو حدیث یا یاد بدهد غیر را پس او مشتغل
شود بآن دو حدیث میباشد بهتر از برای او از
عبادت شصت سال مرویست از سعد بن سعید
که گفت آمد مردی بخدمت پیغمبر و عرض کرد یا رسول الله
دلالت کن مرا بر عملی که هرگاه آنرا عمل کنم دوست دارد
مرا خدا و مردم پس حضرت فرمود زهد و بی‌رغبتی دنیا را
پیشه کن تا خدا ترا دوست دارد و رغبت مکن آنچه در
دست مردمانست تا دوست دارند ایشان ترا و فرمود رسول خدا
که کسیکه راه رود در طلب علم بدو قدم و بنشیند در
تحصیل علم نزد عالمی دو ساعت و بشنود از او دو کلمه
عطا کند خدا او را دو بهشت را که هر بهشتی بقدر دنیا باشد
دو مرتبه و فرمود نیز که هرگاه که بنشیند یاد گیرنده علم
در پیش روی عالمی گشاده میشود از برای او هفتاد در

از

از برای او هفتاد در از رحمت و بر میخیزد از جایش
مگر مثل روزیکه متولد شده است از مادر و عطا کند
خدا او را بهر حدیثی عبادت سالی و بنا کند خدا از برای
او بهر حرفی شهری بقدر دنیا ده مرتبه و نشستن ساعتی
نزد علما دوسترست بسوی خدا از عبادت سالی که معصیت
نکرده باشد خدا را در آنسال چشم برهم زدن و نظر کردن
بسوی عالم دوسترست بسوی خدا از اعتکاف سالی در بیت
الحرام و زیارت علما دوسترست بسوی خدا از هفتاد حج
و عمره و افضل است از هفتاد طواف در دور خانه خدا و
بلند کند خدا از برای او هفتاد درجه و بنویسد از برای
او بهر حرفی حج مقبولی و فرو فرستد خدا بر او هزار رحمت را
و شهادت دهند از برای او ملائکه به بهشت و فرمود رسول خدا
که کسیکه بوده باشد در طلب علم میباشد بهشت در طلبش و کسیکه بوده باشد

در طلب دنیا میباشد در طلب او و نیز فرمود که یکساعت
در هرحت خواب تکیه کند بر متکای خود و نظر کند در علم
دوست تر است بسوی خدا از عبادت عبادت کنندگان هزار
سال و روایت از انحضرت که سه نفرند که طلب مغفرت میکنند
از برای ایشان آسمانها و زمینهای هفتگانه و هرچه در آنها
باشد و ملائکه مقربین و شب و روز یکی عالم و دیگری
شاگرد عالم و دیگر کسیکه عمل کننده باشد بعلم و فرمود
که سه نفرند که شفاعت میکنند در روز قیامت در
میان مردم مثل شفاعت پیغمبران عالم و خدمتکار عالم
و فقیر صابر و فرمود باش عالم یا شاگرد عالم
یا گوش دهنده بسوی عالم یا دوست دارنده عالم
و مباش پنجمی که هلاک میشوی و فرمود رسول خدا
کسیکه بخورد در روز غذا یکمرتبه نمیباشد گرسنه و کسیکه
غذا اکش دو مرتبه باشد نمیباشد عبادت کننده و کسیکه
خوراکش

خوراکش سه مرتبه باشد او را با حیوانات طویله باید کرد و کسیکه
اراده علم داشته باشد پس بر او است پنج خصلت پرهیز کردن
در پنهان و آشکار و خواندن آیة الکرسی و دایم با وضو بودن
و نماز شب هر چند دو رکعت باشد و خوردن از جهت قوت نه از جهت
شهوت و فرمود رسول خدا که علم حاصل نمیشود مگر به پنج چیز
اول بکثرت مسواک و دوم بکثرت اشتغال سیم پاک گردانیدن
افعال چهارم خدمت علما پنجم یادی صبحی از دنیای حلال و فرمود
علی ع بدرستیکه در جهنم آسیائی هست که خورد کرده میشود سرهای
علماء فجره و فقرای فسقه و جبابره ظلمه و وزیران خیانت کننده و
عارفان دروغگو و فرمود پیغمبر که عقل سه جزو است کسیکه
در او بوده باشد این سه جزو عاقل است و کسیکه در او
نباشد پس نیست از برای او عقلی اول نیکو داشتن معرفت
فصل سیم
بخدا و نیکو طاعت خدا کردن و نیکو گمان بخدا بودن
از چیزهائی که وارد شده است از کلام ائمه علیهم السلم
مرویست از حسن ابن علی ع که آمد مردی بخدمت حضرت و گفت

منهم مرد معصیت کارم و نمیتوانم خود را نگاه دارم از معصیت
پس موعظه بفرمائید مرا بموعظه پس حضرت فرمود پنج کار را
بکن و گناه کن آنچه خواهی مخور رزق خدا را و گناه کن آنچه
خواهی و طلب کن موضعی را که خدا ترا نه بیند و گناه کن
آنچه خواهی بیرون رو از ولایت خدا و گناه کن آنچه
خواهی و هرگاه بیاید ترا ملک موت بجهت قبض روح
تو و بتوانی که دفع او کنی پس گناه کن آنچه خواهی و هرگاه
داخل گردانند ملک جهنم ترا در آتش و تو بتوانی داخل
نشوی پس گناه کن آنچه خواهی مرویست از جناب باقر علیه السلام
که وصیت کرد مرا پدرم که مصاحبت مکن و رفاقت مکن
با پنج کس در راه البته رفاقت مکن با فاسق پس بدرستیکه
او میفروشد ترا بلقمه و کمتر حضرت میفرماید عرض کردم
ای پدر کمتر از لقمه فرمود طمع میکند در لقمه و نمیرسد بان
و مصاحبت مکن بخیل را بدرستیکه او قطع میکند از تو مالش را

دروقتی

در وقتیکه تو احتیاج بآن مال داشته باشی و رفاقت مکن البته
با دروغگو که او بمنزله آب نماست که دور میکند از تو چیزهای
نزدیک را و نزدیک میگرداند از تو چیزهای دور را و مصاحبت
مکن البته احمق را پس بدرستیکه او اراده میکند اینکه
نفع برساند پس ضرر میرساند و رفاقت مکن قاطع رحم را
پس بدرستیکه یافتم او را در کتاب ملعون در سه موضع و
فرمود آنحضرت که چند چیز است که در زن نیک است و
در مرد بد است یکی عجله و ترس و بخل و فرمود علی علیه السلام
که نمیابی در چهل مردی که غیر کوسج باشد یکمرد بد و نمیابی
در چهل مرد کوسج یکمرد صالح غیر کوسج بد دوستر است بسوی
من از کوسج صالح و نیز فرمود که بپرهیز از غیبت کردن پس
بدرستیکه غیبت نانخورش سگهای جهنم است و از جناب باقر علیه السلام مرویست
که بهشت حرام است بر سخن چینی و سخن چین داخل
بهشت نمیشود و فرمود جناب اقدس الهی که ویل از برای

سخن چنین است و فرمود رسول خدا ص که کسیکه خود
بکلمه بغیر حق خاکر داند خدا او را در قیامت و فرمود نبی
رسول خدا ص که حسد مبرید از یکدیگر و غضب مکنید بیکدیگر و
غیبت مکنید بعضی بر بعضی و بوده باشید بندگان خدا
با یکدیگر برادر باشید و فرمود که بپرهیزید از غیبت کردن
پس بدرستیکه غیبت کردن شدیدتر است از زنا کردن
بجهت آنکه زناکار گاهی توبه میکند و خدا توبه اش را قبول
میکند بدرستیکه غیبت کننده را خدا نمی آمرزد او را
تا اینکه صاحب غیبت [illegible] و فرمود رسول خدا ص در شب
معراج گذشتم بر قومی که میخراشیدند روهای خود را
بناخن پس گفتم ای جبرئیل کیستند اینجماعت جبرئیل گفت
اینها جماعتی هستند که غیبت میکردند مردمان را و واقع
میشدند در عیبهای مردم و فرمود حضرت صادق ع
که پنج نفرند که خواب نمیکنند اول کسیکه قصد خون ریختن
داشته باشد دوم صاحب مال بسیار که امینی از برای

او

او نباشد سیم شاهد دروغ چهارم کسیکه از بهتان خواسته
باشد چیزی بدهد او را از مال دنیا پنجم دوستی که انتظار
دوستی نکشد و فرمود رسول خدا ص که پنج چیز از مصیبتها
آخرت است فوت شدن نماز و مردن عالم و رد کردن سائل
و مخالفت و نافرمانی کردن والدین و ندادن زکوة
و پنج چیز از مصیبتهای دنیا است فوت دوست و رفتن
مال و شماتت کردن اعدا و ترک علم و زن بد و فرمود
علی ع که دیدم جمیع دوستها را و ندیدم دوستی را بهتر از
نگاه داشتن زبان و دیدم جمیع لباسها را پس ندیدم لباسی را
بهتر از ورع و پرهیزکاری و دیدم جمیع مالها را
و ندیدم مالی را بهتر از قناعت کردن و دیدم جمیع نیکیها را
و ندیدم نیکی را افضل از رحمت و شفقت و چشیدم جمیع
طعامها را پس ندیدم طعامی لذیذتر از صبر و
که پنج چیز است که باعث حفظ میشود [illegible] چیزها